

مسافر اول

یادی از امرا... غلامزاده، نخستین شهید لشکر ۷۷ خراسان در جنگ تحمیلی

رامین رامین نژاد



پلاک سبز

یگان های اعزامی لشکر ۷۷ خراسان از اوایل مهر ۱۳۵۹ با استقرار در مناطق عملیاتی، مانع از ادامه پیشروی دشمن شدند. یکی از این یگان ها، گردان ۲۹۱ تانک بود که در دزفول و سرپل ذهاب مستقر شد. روز ۱۴ مهر ۱۳۵۹ آتش تهیه سنگین دشمن روی مواضع رزمندگان ایرانی آغاز شد و در تبادل آتش، استوار یکم امرا... غلامزاده، فرمانده تانک، جمعی گردان ۲۴۱ تانک در غرب سرپل ذهاب مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و به شهادت رسید.

امروز چهلمین سالگرد شهادت اوست و همین بهانه ای است تا در خطوط پیش رو یادی کنیم از نخستین شهید پایور لشکر ۷۷ خراسان در جنگ با ارتش بعث عراق.

زندگینامه

امرا... غلامزاده ۲۰ اسفند سال ۱۳۲۳ در شهرستان طبس دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی در نوزده سالگی وارد ارتش شده و از سال ۱۳۴۴ در یادگان شیراز مشغول خدمت شد. جوانی معتقد، کوشا و فعال در کارش و دلسوز و خدمتگزار برای مردم بود. او سپس به یادگان تربت جام منتقل شد و در گردان زرهی به انجام وظیفه پرداخت و در سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد. در خلال خدمت و کارش در ارتش به ادامه تحصیل پرداخت و به مطالعه علاقه بسیار داشت؛ در حد توانش کتاب های مذهبی را مطالعه می کرد و فردی متین و خوش اخلاق بود. در انجام فرائض مذهبی و عبادات شخصی کوشا بود. بر خور دش با زن،

فرزند، فامیل و غریبه شایان تحسین و تکریم بود. قبل از شهادتش یک بار برای سرکوبی آشوبگران ضدانقلاب به گنبد رفت و از تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۵۹ نیز عازم جبهه سرپل ذهاب شد. در آن روزها اگر چه حمله سراسری عراق شروع نشده بود، دشمن بعثی تعرضات متعددی صورت داده بود که نیروهای مردمی و نظامی در برابر آن ها ایستادگی می کردند. استوار یکم امرا... غلامزاده، یکی از این نیروهای نظامی بود که به عنوان فرمانده تانک، در غرب سرپل ذهاب حضور داشت و در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۵۹ و دو هفته بعد از شروع رسمی جنگ به شهادت رسید.

● تانک هایی که بوی خون می دادند عصمت شاهگردی، همسر شهید می گوید: تانک های لشکر قبل از اعزام به مناطق عملیاتی در خارج از مشهد در منطقه سنگ بست مستقر شده بود و ما هم برای بدرقه رز منده ها از تربت جام به مشهد آمده بودیم. شهید غلامزاده، وصیت نامه ای نوشت و به من و برادرش گفت: «می خواهم قبل از حرکت به

جبهه، از گلزار شهدای بهشت رضا دیدن کنم.» من و برادرش هر چه اصرار کردیم که او را از این تصمیم منصرف کنیم، بی فایده بود. به ناچار به بهشت رضای مشهد رفتیم و از گلزار شهدا و همچنین ساختمان غسلخانه دیدن کرد. وقتی داخل غسلخانه را دید، گفت: «اینجا چقدر خوب و تمیز است. دوست دارم مرا اینجا بشویند.» سپس برای بدرقه همسر ما منطقه سنگ بست در ۴۰ کیلومتری مشهد

برای بدرقه همسر ما تا منطقه سنگ بست در ۴۰ کیلومتری مشهد رفتیم. وقتی نزدیک تانک ها رسیدیم، همسرم گفت: این تانک ها بوی خون می دهد

رفتیم. وقتی نزدیک تانک ها رسیدیم، همسرم گفت: «این تانک ها بوی خون می دهد.» بعد از اعزام یگان لشکر به جبهه، من و فرزندانم به تربت جام بازگشتیم. دو هفته بعد، سه نفر نظامی با یک جیب ارتشی به در منزل ما آمدند و گفتند: «برادر شوهر شما در مشهد با شما کاری دارد. آماده شوید تا شما را به اتوبوس برسانیم و به مشهد برویم.» با تعجب گفتیم: «اگر بستگانم با من کاری دارند، چرا خودشان نیامدند و شما را فرستادند؟» فرزندانم را که پانزده ماهه بود، بغل کردم و با عجله با اتوبوسی که آن ها برایم گرفتند، به مشهد آمدم و به منزل برادر همسرم رفتم. وقتی به نزدیکی خانه آن ها رسیدیم، یکی از خانم های همسایه به طرف من آمد و پسر را از من گرفت. او گفت: «شوهرت شهید شده است.» من دیگر چیزی نفهمیدم و حالم متقلب شد.

سه روز بعد پیکر شهید به مشهد رسید و تحویل بیمارستان ارتش شد اما اجازه نمی دادند که او را ببینم. روز بعد مراسم تشییع از مسجد بناها آغاز شد. آنجا بود که

اجازه دادند شهید را ببینم. این آخرین دیدارمان بود. سپس شهید را به همراه سه شهید دیگر با احترام فراوان و طی مراسم باشکوهی با حضور پرسنل لشکر و مردم تا حرم مطهر امام رضا(ع) تشییع کردند. می خواستند شهید غلامزاده را همانند آن سه شهید دیگر در حرم دفن کنند اما من مخالفت کردم و گفتیم که این شهید به من گفته دوست دارد در بهشت رضا دفن نشود! لذا من اجازه نمی دهم او



محمد کریمزاده بازنشسته ارتش و همزم شهید

همین موقع خمپاره دشمن در کنار پای او اصابت کرد و منفجر شد. بدنش چند تکه شد. پیکر او را به بهداری یگان و سپس به بیمارستان کرمانشاه اعزام کردیم. روز بعد یک پای شهید را حدود ۱۰۰ متری محل انفجار یافتند و به بدنش ملحق کردیم. من داوطلب شدم که شهید را به مشهد منتقل کنم و تحویل خانواده اش بدهم. در آن زمان هنوز امور شهیدان تشریفات ویژه

و امکانات مربوط به آن سر و سامانی نداشت، حتی خودرو مخصوص حمل پیکر شهیدان و قالب یخ هم برای شهیدان در نظر نمی گرفتند. من شهید را با یک خودرو پیکان و سپس با یک مینی بوس کرایه تا مشهد حمل کردم. پدر یک خبرنگار شهید هم که برای حمل پیکر فرزندانم آمده بود تا سبزوار با ما همراه بود. باید پیکر را تحویل بیمارستان ارتش می دادم. کمتر از ۷۲ ساعت پس از

شهادتش به مشهد رسیدیم؛ جمع زیادی از پرسنل لشکر و خانواده و بستگان شهید در مقابل در بیمارستان ارتش منتظر بودند. به محض اینکه در مینی بوس را باز کردم، خانمی که همسر شهید بود، نزدیک آمد و پرسید: «برادر چه آورده ای؟»

پیکر نخستین شهید لشکر خراسان را آورده بودم اما نمی شد بگویم چه شریایی دارد.

درنگ

نماز

شهادت



عراقی ها روی تپه ها بودند و ما در مناطق هموار غرب سرپل ذهاب مستقر بودیم. سه یا چهار روز بود که درگیری ها در آن منطقه شدت یافته بود. روز ۱۴ مهر ۱۳۵۹ آتش سنگین توپخانه دشمن باریدن گرفت و همه در سنگرها و تانک ها پناه گرفتیم. ساعتی بعد که کمی اوضاع آرام تر شد، استوار غلامزاده که فرمانده تانک بود، از تانک خارج شد و قصد وضو گرفتن داشت. در

شهیدی هفته

سیل محسن رفیعی خراسانی سن: ۳۴ سال تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۰۷/۱۴ گلزار: خواجه ربیع

ناصر محمدی تبارق سن: ۲۲ سال تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۰۷/۱۴ گلزار: خواجه ربیع

سید خسرو پدری سن: ۲۴ سال تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۷/۱۴ گلزار: خواجه ربیع

خلیل محمدرضا هاشمی محمودآبادی سن: ۲۳ سال تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۰۷/۱۴ گلزار: حرم مطهر

سیل محسن بیژن فرد سن: ۲۰ سال تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۰۷/۱۴ گلزار: حرم مطهر

محمود حمیدی پور سن: ۳۳ سال تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۷/۱۳ گلزار: بهشت رضا

محمود حمیدی پور سن: ۳۳ سال تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۷/۱۳ گلزار: بهشت رضا

۱۴ مهر ۱۳۵۹

منطقه عملیات: جنوب-کرخه

نوع یا نام عملیات: تک محدود

یگان های شرکت کننده: ارتش شامل تیپ ۲ لشکر ۹۲ و گروه رزمی ۳۷

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: عقب راندن دشمن از غرب کرخه و گرفتن سرپل تا ۳ کیلومتری رودخانه، انهدام یک ضد هوایی

۱۴ مهر ۱۳۵۹

منطقه عملیات: جنوب جزیره خارک

نوع یا نام عملیات: هوایی گردونه در دریا

یگان های شرکت کننده: نیروی دریایی ارتش

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: ساقط کردن یک فروند هواپیما

۱۵ مهر ۱۳۶۴

منطقه عملیات: غرب-قصر شیرین

نوع یا نام عملیات: تک محدود یا صاحب الزمان ادركتی (مچ)

یگان های شرکت کننده: ارتش شامل گردان ۲۳۷ تیپ ۳۷ زرهی

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: ۳۰ نفر کشته و زخمی و انهدام ۱۰ سنگر انفرادی و اجتماعی و ۲ موضع تیربار

۱۶ مهر ۱۳۵۹

منطقه عملیات: جنوب-دب حردان

نوع یا نام عملیات: تک محدود

یگان های شرکت کننده: ارتش شامل تیپ ۱ لشکر ۹۲

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: به منظور جلوگیری از تصرف شهر اهواز، این عملیات محدود صورت گرفت و طی آن ۶ دستگاه تانک و نفربر منهدم شد و تعدادی از نفرات کشته و زخمی شدند.

۱۶ مهر ۱۳۶۶

منطقه عملیات: شمال غرب-کرکوک

نوع یا نام عملیات: ظفر ۲

یگان های شرکت کننده: سپاه

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: وارد کردن خسارت و تلفات به دشمن

۱۷ مهر ۱۳۵۹

منطقه عملیات: غرب

نوع یا نام عملیات: تک محدود

یگان های شرکت کننده: ارتش و سپاه

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: تعدادی کشته و زخمی و ارتفاعات کوی عشقان آزاد شد.

۱۸ مهر ۱۳۶۴

منطقه عملیات: شمال غرب-غرب اشونیه

نوع یا نام عملیات: قادر ۴

یگان های شرکت کننده: ارتش و سپاه

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: وارد کردن خسارت و تلفات به دشمن

۱۹ مهر ۱۳۶۵

منطقه عملیات: شمال غرب-کرکوک

نوع یا نام عملیات: فتح ۱ یا زینب (س)

یگان های شرکت کننده: سپاه و اتحادیه میهنی کردستان

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: نفوذ به عمق ۱۵۰ کیلومتری جنوب کرکوک و انهدام تأسیسات نفتی برقی و موشکی عراق و ۶۰۰ کشته و زخمی.

۲۰ مهر ۱۳۵۹

منطقه عملیات: غرب-سرپل ذهاب

نوع یا نام عملیات: تک محدود

یگان های شرکت کننده: ارتش و ژاندارمری

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: اسیر ۴۵ نفر، تعدادی کشته و زخمی، تعداد ۵۰ قبضه کلاشینکف و تعدادی موشک انداز، آرپی جی ۷ به غنیمت گرفته شد.

۲۰ مهر ۱۳۵۹

منطقه عملیات: جنوب غرب-سوسنگرد

نوع یا نام عملیات: تک ایذائی

یگان های شرکت کننده: سپاه

نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: وارد کردن خسارت به دشمن

شهید غلامزاده، وصیت نامه ای نوشت و به برادرش گفت: «می خواهم قبل از حرکت به جبهه، از گلزار شهدای بهشت رضا دیدن کنم.» من و برادرش هر چه اصرار کردیم که او را از این تصمیم منصرف کنیم، بی فایده بود. به ناچار به بهشت رضای مشهد رفتیم و از گلزار شهدا و همچنین ساختمان غسلخانه دیدن کرد. وقتی داخل غسلخانه را دید، گفت: «اینجا چقدر خوب و تمیز است. دوست دارم مرا اینجا بشویند.»

مردم خوب، حال خوب

نجمه پاسبان | اجرای طرح عابر خط زندگی در چهارراه آزادشهر توسط جوانان داوطلب عضو مشاوران جوان شهرداری مشهد؛ کار بسیار قشنگی است.



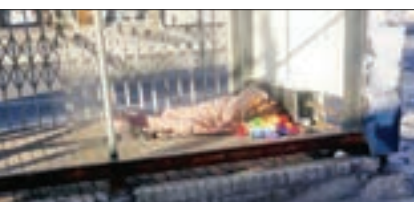
شهروند | باز بودن قسمت بازی بچه ها در پارک خیابان میثم شمالی طلاب در زمان کرونا و رسیدگی نکردن مسئولین.



شهروند | حمل غیر اصولی با موتورسیکلت در بولوار میثاق مشهد



شهروند | چرا شهرداری و پلیس، فکری به حال معاندان چهارراه چمن نمی کنند! ایستگاه دوچرخه سواری پروین اعتصامی تا چهارراه چمن صبح تا شب شده باتوق معاندان. فرزندان ما از این مسیر برای مترو و اتوبوس استفاده می کنند.



ملایری | پیاده روی هدفیافته چهارراه سی و پنج متری مطهری شمالی تا مطهری شمالی ۳۳ نیاز به بازسازی و مرمت دارد. قسمت پیاده رو محل تردد بیماران و مراجعان مسجد، داروخانه و مراکز درمانی است. ضمن اینکه سطل زباله هم ندارد.



شهروند | وضعیت اسفناک خیابان مهر مادر خواجه ربیع، واقعا کسی نیست نظارت کند؟ با این همه مرضی و کرونا اصلا درست نیست.



شهروند | وضعیت آلودگی توس ۳۲/۴. اینجا هر روز اشغال و زباله انباشته می شود و افراد معاتد تجمع می کنند. اینجا پر شده از مار و موش و سوسک که به داخل خانه ها هم می آیند!



منشور حقوق و مسئولیت های شهرداری شهر مشهد (۶۸)

فصل نهم: حق بر سازمان

۱-۹- شفافیت و فناوری اطلاعات

حق همه شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود و اطلاعات بهای تمام شده خدمات خصوصی ارائه دهنده خدمات

عمومی در حوزه مدیریت شهری

مشهد دسترسی داشته باشند

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت های شهروندی شهر مشهد کلیک روی آیکون



به روایت منشور